

گزارشی و آموزه‌هایی از دعای «عصر غیبت» - محسن احتشامی نیا، زهرا طهری
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال یازدهم، شماره ۴۴ «ویژه حدیث»، پاییز ۱۳۹۳، ص ۹۴-۱۲۵

گزارشی و آموزه‌هایی از دعای «عصر غیبت»

محسن احتشامی نیا*

زهرا طهری**

چکیده: خداوند هدف از خلقت جن و انس را عبادت خود بیان کرده است. عبادت خدا همان معرفت خداست که صنع اوست، یعنی این معرفی باید از جانب خودش صورت بگیرد و لاغر. تا این معرفی نباشد هیچ کس قادر به شناختن پیامبران راستین نخواهد بود و در نتیجه نمی‌توانیم حجج الهی را بشناسیم. لذا برای رهایی از ضلالت و مرگ جاهلیت ملزم به تسلیم نسبت به شناخت خدا و انبیاء و اولیای او هستیم تا راه صحیح بندگی و عبادت خدا را برای ما معرفی کند و در این مسیر راهبر ما باشند؛ زیرا خدا تبعیت و تسلیم بودن نسبت به ایشان را وسیله تقرب و بندگی خود قرار داده است. لذا در حال حاضر شناخت حجت زمان امام دوازدهم تنها راه رهایی از کفر و ضلالت است. به فرموده اهل بیت علیهم السلام در عصر غیبت، همه اهل هلاکت هستند به جز کسانی که ثابت قدم در راه شناخت امام باشند و توفیق بر دعای بر حضرت داشته باشند. بنابراین با مراجعته به دعای عصر غیبت به چگونگی کسب معرفت و راههای مقابله با مرگ جاهلیت می‌پردازیم و از جمله مهم‌ترین آن راه‌ها می‌توان انتظار فرج، دعا برای حضرت، دعا در حق دوستان و نابودی دشمنان ایشان و تربیت متظران اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: معرفت، مرگ جاهلیت، انتظار، دعا.

m.ehteshaminia@yahoo.com

*. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

**. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد الهیات - علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

am_tavana@yahoo.com

اهل بیت علیہ السلام خطر تباہی دین و نداشتن ایمان سالم و صحیح را بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین نوع هلاکت در عصر غیبت عنوان کرده‌اند. و هیچ کس از این هلاکت ایمن نیست مگر خاندان وحی و عصمت. پس هر مکلف عاقلی باید با تمسک به این خاندان و با استمداد از کلمات این بزرگواران برای رهایی از بزرگ‌ترین خطر و فتنه در عصر غیبت بیندیشد. یکی از ادعیه مؤثری که رهنمودهای گرانقدری در جهت حفظ دین و نگه داشتن مؤمنان از خطرات در زمان غیبت دارد، «دعای عصر غیبت» است که از جانب خود امام زمان علیه السلام صادر و تعلیم داده شده است و جناب سید ابن طاووس سفارش اکید به خواندن آن در عصر روز جمعه فرموده‌اند. لذا جای دارد به رهنمودهای آن گوش دل بسپاریم تا ان شاء الله از مهلهکه‌های آخر الزمان نجات یابیم.

بیان مسئله

اهل بیت علیہ السلام به تعبیرات مختلف، عدم شناخت امام زمان را برابر با مرگ جاهلیت عنوان کرده‌اند، بنابراین باید مواردی را بیان کنیم که ما را در رهایی از مرگ جاهلیت کمک و راهنمایی کند. از جمله مهم‌ترین این راهکارها، کسب معرفت نسبت به خدا و رسول و به ویژه حجج الهی است؛ یعنی هرکس به حجج الهی به خصوص حجت زمان خود معرفت یافت، از ضلالت و گمراهی رها می‌شود. یکی از مطمئن‌ترین راه‌ها برای کسب معرفت و نجات از مهلهکه‌ها، رجوع به کلمات اهل بیت علیہ السلام است؛ که امین درگاه الهی هستند و به واسطه ایشان طریق صحیح بندگی را می‌توان به دست آورد. بنابراین با مراجعه به دعای عصر غیبت و با توجه به تعالیم و تعبیری که حضرت ولی عصر علیه السلام در این زمینه بیان فرموده‌اند، می‌توان ان شاء الله به دین داری صحیح و مورد رضایت الهی دست یافت.

ضرورت و اهمیت موضوع

با توجه به طولانی شدن غیبت و نبودن اطلاعات کافی بیشتر مردم، معرفت و توجه اندک نسبت به این حجت «حی» دارند تا جایی که این عدم شناخت، منجر به مرگ جاهلیت می‌شود، لذا همه وظیفه دارند در حد توان خود به معرفی و شناساندن آن بزرگوار اقدام کنند. یکی از بهترین گرینه‌های معرفتی، استفاده از کلام خود ایشان در دعای عصر غیبت است.

۲- معنای لغوی و رابطه دعا با عبادت

ابن‌منظور می‌نویسد: «اصل العبودیّة الخضوع و التذلل. لا يقال: عبد يعبد عبادة الا لمن يعبد الله تعالى» (ابن‌منظور، ۲۰۰۰ م: ج ۹، ص ۱۱۰).

اصل عبودیت عبارت از خضوع و شکستگی و تذلل است و... و تعبیر (عبد، يعبد، عبادة) فقط برای کسی که خدای متعال را عبادت می‌کند به کار می‌رود. در تعبیر دیگر گفته‌اند: «العبادة: الطاعة و نهاية التعظيم لله تعالى». (شرطی: ج ۳، ص ۴۶)

عبادت طاعت و نهایت تعظیم برای خدای متعال است.

از این تعبیر و تعبیر مشابه آن درباره عبادت می‌توان نتیجه گرفت که عبادت بالاترین حد خضوع و خشوع و اظهار کوچکی و تعظیم در برابر معبدی است که بالاترین فضیلت‌ها را دارد. یکی از اعمال عبادی «دعا» است که بالاترین مظہر خضوع و خشوع و ابراز نیاز به حق تعالی است. امام صادق علیه السلام به نقل از جد شریف‌شان حضرت امیر علیه السلام فرموده‌اند: «احب الاعمال الى الله عز و جل في الارض الدّعاء». (کلینی، ۱۳۴۸) ش: کتاب الدّعاء، باب فضل الدّعاء، ح ۲) محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عز و جل در زمین، دعاست.

۳- جایگاه دعا در فرهنگ دینی

امامان معصوم علیهم السلام درباره دعا، مطالب مهمی بیان کرده‌اند، از جمله:

۱. برترین کاری است که در آستان خدای عزوجل انجام می‌شود (همان، ح^{۲۳}).
۲. کسی که به دلیل تکبر، از این عمل روی گرداند، مبغوض ترین خلائق نزد خداست (همان، ح^{۲۴}).
۳. انسان را به جایگاهی می‌رساند که از هیچ طریق دیگری راهی به سوی آن نیست (همان، ح^{۲۵}).
۴. خداوند در آیه ۷۷ سوره فرقان، شرط توجه کردن به بنده و رضایت خود از او را در دعا کردن قرار داده است (همان، ح^۱).
۵. بهترین راه برای تقرب به خداست (همان، ح^{۲۶}).
۶. کلید هر رحمت و سبب هر موفقیت است (همان، باب ان الدعاء يرب البلاء و القضاء، ح^۷).
۷. وسیله دفع بلاهای نازل شده و نازل نشده است (همان، ح^۵).

۴- کلیاتی درباره دعای عصر غیبت

به طور کلی دعاها در فرهنگ شیعه به دو دسته تقسیم می‌شوند، یا متن و عبارت آن‌ها عیناً از زبان و یا قلم معصوم صادر شده است (دعای مؤثر) و یا غیرمعصومین آن را نوشته‌اند (دعای غیرمؤثر). در فرهنگ غنی شیعه، دعاها و زیارات مؤثر بسیاری وجود دارد که الفاظ آن از لسان مبارک اهل بیت علیهم السلام هستند؛ مانند دعای کمیل، دعای مسلول، زیارت عاشورا، زیارت جامعه کبیره، زیارت آل یاسین و... به حکم عقل برای ادای افضل عبادات که «دعایکردن» باید با افضل الفاظی که از جانب برترین افراد به ما رسیده است این امر را انجام دهیم؛ زیرا اهل بیت علیهم السلام صحیح‌ترین طریق بندگی و عبادت و دلنشیین‌ترین مناجات‌ها و دعاها را به درگاه الهی دارند.

یکی از این دعاهاي مؤثر، معروف به «دعای عصر غیبت» است. این دعا را صدوق به دو واسطه از جناب عثمان بن سعید روایت کرده (کمال الدین، ج ۲ ص ۵۱۲ ح^{۴۳}) و شیخ طوسی نیز در مصباح المتهجد (ج ۱ ص ۴۱۱) آورده است. مرحوم سید ابن طاووس آن را از

شیخ طوسی نقل کرده (جمال الاسبوع، ص ۵۲۱) و سفارش اکید به خواندن آن پس از تعقیبات نماز عصر روز جمعه کرده و فرموده است که اگر در مورد تمامی دعاهای دیگر که در تعقیب نماز عصر جمعه رسیده عذری دارید، از ترک «دعای عصر غیبت» بپرهیزید؛ زیرا ما آن را از فضل و لطف خدا دانسته‌ایم، که این فضلش مختص ماست، پس بدان اعتماد کن و مداومت نما. (ابن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۲-۵۲۹)

محدث قمی نیز متن دعا را در ملحقات مفاتیح الجنان (دعای هفتم) تحت عنوان «دعا در غیبت امام زمان علیهم السلام» به نقل از منابع یاد شده آورده است.

در این دعای شریف، وجود مبارک ولی عصر - ارواحنا فداه - در طی یک سلسله جملات مجمل و ظاهراً کوتاه به بیان و آموزش یک دوره اعتقادات صحیح و کامل پرداخته‌اند؛ از جمله: ۱. توحید، ۲. پذیرش نبوت، ۳. معرفت حجت، اطاعت از اهل بیت که رمز قبولی اعمال است، ۴. چگونگی دعا بر فرج، ۵. دعا برای رفع گرفتاری از وجود مقدس خود، ۶. چشم‌اندازی از اقدامات خود را در عصر ظهور، ۷. وظایف شیعه در عصر غیبت.

لذا با خواندن دعای عصر غیبت به چند نکته مهم می‌رسیم.

از جمله اینکه عدم شناخت حجت زمان برابر با زندگی جاهلیت و انحراف درون عنوان شده است. برای توضیح بیشتر به چند حدیث توجه می‌شود:

۱. در یک حدیث، مردن بدون معرفت حضرتش، مرگی توأم با فسق و کفر و نفاق عنوان شده است. در برابر، کسی که نسبت به امام و حجت زمانش معرفت داشت، به هیچ عنوان متضرر نخواهد بود، اگرچه زمان ظهور حجت را درک نکند. (کلینی، ج ۱ ص ۳۷۱)

اگر کسی به چنین معرفتی نایل شد همچون کسی است که همراه امام و در خیمه ایشان است؛ یعنی حضور امام را وجدان کرده و درک نکردن زمان ظهور منجی و امام زمانی که آرزوی انبیا و اولیای الهی است به او ضرری نمی‌رساند.

۲. برای رهایی از هلاکت و تباہی (در دین و ایمان) لازم است حجت زمان را بشناسیم، در شناخت خود ثابت قدم باشیم و از خدا بخواهیم که توفیق بر دعا برای فرج امام زمان علیهم السلام را به ما عنایت فرماید.

امام حسن عسکری علیهم السلام به احمد بن اسحاق فرمود: «وَاللَّهِ لِيَغْيِبُنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلْكَةِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِيمَانِهِ وَوَقَّفَهُ فِيهَا لِلدعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ» (همان، ح۲). به خدا سوگند که او غیبی خواهد داشت که در آن زمان کسی از هلاکت (در دین و ایمان) نجات نمی‌یابد مگر آنکه خدا او را ثابت قدم بر امامتش قرار داده و توفیق بر دعا به تعجیل فرجش را به او داده باشد.

۳. امام سجاد علیهم السلام فرمود: «يَا أَبَا خَالِدَ، إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِيمَانِهِ وَالْمُنتَظِرِينَ لِظَّهُورِهِ أَفْضَلُ مَنْ أَهْلَ كُلِّ زَمَانٍ». (شیخ صدوق: کمال الدین، ب ۳۱، ح ۳ ای ابو خالد، همانا اهل زمان غیبت او (حضرت مهدی علیهم السلام) که اعتقاد به امامتش دارند و در انتظار ظهرورش هستند از مردم همه زمان‌ها بهتر هستند.

با توجه به اینکه در عصر غیبت امام زمان علیهم السلام هستیم لذا با مراجعه به دعای عصر غیبت چگونگی اعتقاد به امامت و انتظار کشیدن این امر را به ما آموزش می‌دهند. با توجه به این سه حدیث، اهمیت معرفت و انتظار را در می‌یابیم.

پس «معرفت» کلیدی‌ترین و مؤثرترین نقش را در حفظ ایمان مؤمن در زمان غیبت دارد. با توجه به دعای عصر غیبت به این نکته می‌رسیم که امام مهدی علیهم السلام همین مطلب یعنی «معرفت» را شاه کلید این دعا قرار داده‌اند. لذا با همین فراز و درخواست به درگاه الهی برای کسب معرفت، کلام خود را آغاز می‌کنند که مقدمه و آغاز هر شناختی را معرفت الله معرفی می‌فرمایند و در ادامه معرفت رسول و معرفت حجت، معرفی می‌نمایند.

۵- «دعای معرفت» و کسب معرفت

جملات اولیه دعای شریفه عصر غیبت با درخواست کسب معرفت نسبت به خدا و رسول و حجج الهی علیهم السلام آغاز می‌شود.

نخستین عبارت این دعا این گونه است: «اللهم عرّفني نفسك فانك ان لم تعرّفني نفسك لم اعرف رسولك» (سیدابن طاووس: جمالالاسبوع، ۵۲۲) خدایا خودت را به من بشناسان. به درستی که اگر خودت را به من بشناسانی رسولت را نمی‌شناسم. نخستین گام در راه بندگی و اطاعت خداوند عزوجل، شناخت و کسب معرفت نسبت به اوست.

امام رضا علیهم السلام می‌فرماید: «أول عبادة الله معرفته». (شيخ صدوق: توحيد، باب التوحيد و نفي التشبيه، ح ۲ اولين (نخستین، برترین) عبادت خدا، معرفت اوست.

امام صادق علیهم السلام می‌فرماید: «انَّ افْضَلِ الْفَرَائِصِ وَ اوْجَبُهَا عَلَيِ الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ» (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۳۶، ص ۴۰۷) همانا بافضیلت‌ترین و ضروری‌ترین واجبات بر انسان، معرفت و شناخت پروردگار است.

از بررسی احادیث باب معرفت نتیجه می‌گیریم:

۱. معرفت خدا بالاترین معرفت‌ها و در رأس همه آن‌هاست و همه نعمت‌ها به ویژه نعمت توحید، نبوت و امامت، همه از طریق معرفت الهی نصیب انسان می‌شود.
۲. ارزش قبولی اعمال و ارزش انسان‌ها به میزان معرفت افراد است.

۳. معیار افضیلت افراد نیز وابسته به میزان معرفت آنها عنوان شده است و هر که معرفت کامل‌تر و صحیح‌تری دارد ارزشش بالاتر است. امام باقر علیهم السلام می‌فرماید: «لا يقبل عمل الا بمعرفة الا بعملٍ. و من عرف دلّته معرفته على العمل، و من لم يعرف فلا عمل له». (ابن‌شعبه‌حرانی: تحف‌العقول، شماره ۲۴) هیچ عملی بدون معرفت پذیرفته نمی‌شود و هیچ معرفتی هم بدون عمل نخواهد بود و هر کس معرفت داشته باشد معرفت او



راهنمایی روش عمل می‌شود و هر کس معرفت ندارد عملی ندارد. تا اینجا روش شد که در رأس همه اعمال و لازم‌ترین آنها معرفة الله است. حال باید دانست که معرفة الله چیست؟ یا به عبارتی چگونه حاصل می‌شود؟

۶- دعای «عصر غیبت» و معرفت خدا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «المعرفة من صنع الله ليس للعباد فيها صنع». (کلینی، ۱۳۴۸ ش: ج ۱، ص ۱۶۲) معرفت کار خداست و بندگان در آن نقش ندارند.

همچنین می‌فرماید: «ليس الله علي خلقه ان يعرفوا، و للخلق علي الله ان يعرفُهم، والله علي الخلق اذا عرفُهم ان يقبلوا». (همان، ص ۱۶۴) برای خدا بر مخلوقات این نیست که معرفت پیدا کنند و این حق مخلوقات بر خداوند است که به ایشان معرفت را ارزانی دارد و آن گاه حق خدا بر خلق این است که پس از نیل به معرفت آن را پذیرند.

پس خدا خودش را به ما معرفی می‌کند. مسئله مهم در این نکته است که شناخت (معرفت) چیزی، جدای از قبول و تسليم آن امر بودن است. چه بسا حقایقی برای انسان روشن گردد، اما او با توجه به اصل مهم اختیار، از پذیرش و قبول آن سر باز زند و تسليم آن نگردد. پس گام اول معرفت است که صنع الهی است و در ادامه، از طرف انسان، تسليم بودن. اگر کسی بعد از شناخت، نسبت به آن حقیقتی که برایش روشن شده تسليم شود، در واقع معرفت را پذیرفته است.

۷- دعای «عصر غیبت» و معرفت رسول و امامان علیهم السلام

کسی که معرفت خدا را پذیرفت، در ادامه به معرفت رسول دست می‌یابد. در دعای عصر غیبت، ولی عصر - ارواحنا فداه - می‌فرماید: «اللهم عرفني رسولك فانك ان لم تعرفي رسولك لم اعرف حجتك». (سید بن طاووس: جمال الاسبوع، ۵۲۲) خدا ای رسول را به من بشناسان که اگر رسول را به من نشناسانی حجت را نخواهم شناخت. بعد از معرفت الله و معرفت رسول و تسليم در برابر آن، معرفت حجت را به دست

خواهد آورد که کلیدی‌ترین و اصلی‌ترین پایه معرفت است و فقدان آن، برابر با مرگ جاهلیت و ضلالت و گمراهی است.

در دعای عصر غیبت، این نکته حائز اهمیت است: «اللهم عرّفني حجّتك فانك ان لم تعرّفني حجّتك ضللتك عن ديني.» (همان) خدایا حجت را به من بشناسان که اگر حجت را به من نشناسانی، در دین گمراه و ضال خواهم بود.

برای رهایی از هر گونه ضلالت باید در درجه اول شناخت نسبت به حجت زمان یافت تا به وسیله او و با توجه به راهنمایی‌های او، بتوان تسلیم معرفت رسول و معرفت الهی است.

امام حسین علیه السلام در پاسخ به فردی که از ایشان پرسید معرفت خدا چیست؟ چنین پاسخ فرمود: «معرفة اهل كلّ زمانِ امامهم الذي يجب عليهم طاعته». (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۲۳، ۸۳) معرفت مردم هر زمانی نسبت به امامی که اطاعت از او بر ایشان واجب است. در واقع چون معرفت خدا جز با معرفت حجت زمان امکان‌پذیر نیست، امام حسین علیه السلام معرفت الله را به معرفت امام زمان تفسیر فرموده‌اند.

اگر کسی در این دنیا تحت ولایت و سرپرستی چهارده معصوم قرار نگیرد، حفظ شدنش در مسیر بندگی خدا تضمین نمی‌شود و در هر لحظه، احتمال لغش و خطا و انحراف از مسیر حقیقی خداپرستی برایش امکان پذیر است. یعنی به زندگی جاهلی می‌افتد و اگر با چنین اعتقادی بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لو لا نحن ما عبدالله و لو لا هم ما عرف الله». (کلینی، ۱۳۴۸ ش: ج ۱، ح ۵) اگر ما نبودیم خدا عبادت نمی‌شد، اگر ایشان نبودند خداوند شناخته نمی‌شد.

با توجه به این احادیث، عبادت خدا یعنی معرفت او، که همان معرفت اهل بیت علیه السلام است.

البته ما اهل بیت را به معرفی خدا شناخته‌ایم. و این لطف الهی بوده که این بزرگواران

را به ما معرفی کرده. یعنی خداشناسی نسبت به پیغمبرشناسی و امامشناسی اولویت دارد. ولی حفظ خداشناسی در مسیر صحیح و طریق عبادت و چیستی و چگونگی اعمال عبادی در مسیر صحیح، به وسیله اهل بیت علیهم السلام ابراز می‌شود. لغت-شناسان درباره معنی ضلالت گفته‌اند: «الضلال و الضلالة ضد الهدي و الرشد». (ابن مظفر، ۲۰۰۰، ج ۱۱، ص ۳۹۰) نیز گفته‌اند: «و في المجمع: الضالة اسم للبقر والإبل والخيول و نحوها». (طربی، ۱۳۹۵، ق: ۴۰۹، ص ۴۰۹)

در یک کلام، مصدق کامل جاہل و ضال، ابليس است. و هر عمل باطل و هلاکت باری را ضلالت و جهالت می‌دانند، تا جایی که به چهارپایان (ضاله) گفته می‌شود. هم در توضیح واژه ضال و هم جهاله، مصدق بارز آن را عرب قبل از اسلام - که معروف به دوران جاهلیت است - می‌دانند. در این دعا از خدا خواستاریم که بعد از اینکه ما را به ولایت اهل بیت علیهم السلام هدایت کرد، قلب‌های ما را از حق منحرف نفرماید و ما را به مرگ جاهلیت نمیراند.

«اللهم لا تمني ميتة جاهلية و لا تزع قلبي بعد اذ هديتنني». (سید ابن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۳) خدايا مرا به مرگ جاهلیت نمیران و پس از آن که هدایتم نمودی گمراهی را بر قلب من مسلط مساز.

این جمله ناظر به آیه ۸ سوره آل عمران است.

در ادامه دعای شریف عصر غیبت بار دیگر از خداوند خواستاریم تا با ظاهر شدن امام زمان علیهم السلام و گفتار آشکار و دلالت و راهنمایی ایشان، ما را از گمراهی به هدایت و از جهالت به سلامت رهنمون شود. «اللهم اني اسئلک ان تريني ولي امرک... ظاهر المقالة واضح الدلالة، هادي من الضلاله، شافي من الجهاله». (همان) خدايا از تو می خواهم که جمال صاحب امرت را آشکارا به من بنمایی... در حالی که به گفتار آشکار و دلالت روشنش، از گمراهی به راه هدایت رهنمون شویم و از جهالت نجات پیدا کنیم.

با تدبیر در دعای عصر غیبت به نکات مهم و ارزنده دیگری می‌رسیم که نشان می‌دهد

این جملات از کسی جز معمصوم نمی‌تواند صادر شده باشد.

۸- دعای عصر غیبت و دعا بر فرج و ظهور

در این بخش به بیان چند فراز از فرازهایی که دیدار و ظهور و فرج آن بزرگوار از خداوند متعال خواسته شده می‌پردازیم.

* اللهم اني أسألك ان تربيني ولِيْ أمرك ظاهراً نافذ الامر... (همان)

خدایا از تو می‌خواهم که جمال صاحب امرت را آشکارا به من بنمایی، در حالی که امرش در عالم نافذ است.

این جمله اشاره دارد به امامان پیشین علیهم السلام که با وجود عظمت مقام و شئون الهی، نفوذ امر نداشتند، بلکه هر کدام به نوعی ناگزیر به بیعت با طاغوت زمان خود بودند، چنانکه امام مجتبی صلوات الله عليه در پاسخ به معترضان به صلح خود، این حقیقت را متذکر شد و امام مهدی علیه السلام را از این مطلب، مستثنی دانست (خرّاز قمی، کفاية الاثر، ص ۲۲۵).

* ابرز يا رب مشاهدته و ثبت قواعده و اجعلنا ممن تقر عينه بروئيته. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۳)

پروردگارا مشاهدۀ او را آشکار فرما، و پایه‌های حرکتش را محکم گردان، و ما را از کسانی قرار ده که با دیدن جمال آن حضرت، چشمشان روشن گردد.

در تاریخ خواندهایم که امیر المؤمنین علیه السلام حتی در زمان خلافت ظاهری خود – به دلیل کوتاه فهمی مردم – برای حذف و نابودی بعضی از بدعت‌ها – مانند نماز تراویح – امکان و فرصت نیافت (حلبی، تعریف المعارف، ص ۳۴۷). و خود در یک جمله کلی به این مطلب اشاره فرمود: لو قد استوت قدمای من هذه المداحض، لغیرت اشیاء (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۲). اینک از خداوند متعال می‌خواهیم که جایگاه و پایگاه استوار به امام زمان علیه السلام مرحمت فرماید. و سرانجام خاضعانه می‌گوییم:

* اللهم عجل فرجه. (همان)

خدایا در فرجش تعجیل فرما.

۹- دعا بر نصرت و پیروزی حضرت

در بخشی از فرازهای این دعا شیعه دست به دعا برای نصرت و پیروزی امام زمانش برمی‌دارد و از خدا نصرت ایشان را خواستار است.

* اللهم عجل فرجه و ایده بالنصر و انصر ناصريه... و اظهر به الحق... و انعش به البلاد. (همان، ص ۵۲۵)

خداؤندا در فرجش تعجیل فرما، با یاری ات تأییدش کن، یارانش را یاری کن، حق را به واسطه او آشکار نما و عالم را به وجودش آباد گردان.

* اللهم فرج ذلك بفتح منك تعجله و نصري منك تعزه و امام عدلٌ ظهره الله الحق أمين رب العالمين. (همان، ص ۵۲۶)

خدایا با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را از این اندوهها به سرعت رهایی بخشن، و یاری با عزت و ظهور پیشوای عادل را نصیبیمان بفرما. ای خدای بحق و پروردگار جهانیان این دعا را اجابت کن.

* اللهم أنا نسألك أن تأدّن لوليّك في اظهار عدליך في عبادك. (همان، ص ۵۲۶)
خدایا از درگاهت می‌خواهیم که به ولیت اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت آشکار نماید.

عدالتی که مورد نظر خداوند تعالی است، ابعادی بس گسترده دارد، تا آنجا که در دعای امام رضا علیه السلام سخن از «مجھول العدل» است که در زمان ظهور، برپا می‌شود (طوسی، مصباح المتهجد، ج ۱ ص ۴۱۰). این نکته را باید دانست که عدالت در نظر هر کسی، وابسته به گستره دیدگاه و سطح اندیشه اوست. و هر چه این سطح فکری بالاتر باشد، عدالت را در سطح بالاتری در نظر دارد. لذا چنان عدالتی در آن روزگار بر پا می‌شود که مردگان آرزو می‌کنند به دنیا برگردند و در آن روزگار زندگی کنند (بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲ ص ۲۴۲)

* اللهم و احي بوليك القرآن... و احي به القلوب الميّة. (همان، ص ۵۲۸)
خدایا با وجود ولیت (صاحب الامر علیه السلام) قرآن را زنده کن و به واسطه او قلب‌های

مرده را حیات بخشن.

در توضیح این جمله می‌گوییم:

قرآن حقیقتی است که فقط در کنار عترت، نور خود را به جهان می‌تاباند. در واقع، قرآن و عترت مانند دو روی سکه‌اند که پیامبر برای رستگاری امّت، تمسّک توأمان به این دو رشته هدایت را توصیه فرمود (حدیث ثقلین).

اماً ستمگران که تابش این نور الهی را بر نمی‌تابند، همواره کوشیده‌اند این دو نور را از هم جدا کنند. در نتیجه گویی حقایق قرآن را کُشت‌هاند. دعای امام سجاد علیه السلام در اینجا خود را می‌نمایاند که در دعای عرفه، ضمن دعا برای وجود مقدس امام مهدی علیه السلام بیان می‌دارد که حضرتش آن حقایق مرده را بار دیگر جان می‌بخشد:

و أقم به كتابك و حدودك و شرائعك و سنن رسولك صلواتك اللهم عليه و آله، وأحي به ما أماته الظالمون من معالم دينك... (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷)

این ستم‌ها بر قرآن چنان است که پیامبر نیز از امّت به خدایش شکایت می‌برد: "وقال الرسول يا رب انّ قومي اتخذوا هذا القرآن مهجورا" (فرقان: ۳۰)

توضیحات مبسوط شیخ نعمانی در باب دوم کتاب غیبت، گزارشی از وضع فرهنگی قرن چهارم را نشان می‌دهد که چگونه قرآن را از عترت جدا کرده و بدینگونه به هر دو یادگار پیامبر ستم روا داشته و آنها را از حقیقت خود تهی کرده‌اند. به هر حال، در اینجا دعا می‌کنیم که خداوند، به قرآن حیات مجده بخشد و دلهای مرده را به یمن نظر امام عصر، زنده سازد.

* و اجعله خلیفتک في ارضك كما ضمنت له. (سید بن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۶)
و او را خلیفة آشکار در زمینت قرار ده همان‌گونه که این امر را تضمین فرموده‌ای.
این جمله ناظر است به آیه قرآن که می‌فرماید:

"أَمْ يجِيبُ الْمُضطَرُ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خَلْفَاءَ الْأَرْضِ" (نمل: ۶۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه در مورد قائم آل محمد نازل شده است. به خدا سوگند

اوست مضطّر، که وقتی دو رکعت نماز در مقام (= مقام ابراهیم) گزارد و خدا را بخواند دعايش را مستجاب گرداند و گرفتاری از او بردارد و او را در زمین خلیفه گرداند (تفسیر قمی، ج ۲ ص ۱۲۹؛ همین مضمون به تفصیل در: ص ۵۱ ذیل آیه ۲۰۵ سوره سباء؛ تفسیر عیاشی، ج ۲ ص ۳۹ ذیل آیه ۵۷ سوره انفال؛ غیبت نعمانی ص ۱۸۲).

این تأویل منافات ندارد با احادیثی دیگر که پیامبر، این آیه را در شأن امیر المؤمنین علیه السلام دانسته و پس از تلاوت آیه خطاب به آن جناب فرموده‌اند "لا يحبك الله مؤمن ولا يبغضك الله منافق" (مفید، امالی، ص ۳۰۸، مجلس ۳۶ ح ۵). زیرا قدرت یافتن امام مهدی علیه السلام در واقع قدرت یافتن تمام اهل‌بیت، بلکه تمام نیکان و پاکان از بد و خلقت تا پایان روزگار است، چنانکه در دعایی که امام صادق علیه السلام در شب بیست و یکم ماه رمضان خوانده، پس از شمردن اسماء حسنای الهی می‌فرماید: "وَ أَن تَأْذُن لِفَرْجِهِ فَرْجُ اُولَائِكَ وَ اصْفَيَاكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بِهِ تَبَيَّدُ الظَّالِمِينَ وَ تَهْلِكُهُمْ" (ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱ ص ۲۰۱).

۱۰- ما و انتظار ظهور

حضرت صاحب الامر علیه السلام در دعای عصر غیبت، طی جملات شیوه‌ایی چگونه دعا کردن برای پایداری در اطاعت از ولی زمان و ثبات قدم در این امر را به ما آموزش می‌دهند.

جا دارد بار دیگر دو شرطی را که امام حسن عسکری علیه السلام برای رهایی از هلاکت در آخر الزمان عنوان کرده‌اند، یاد آوریم: یکی ثبات قدم در امامت ولی زمان علیه السلام و دیگری توفیق دعا بر حضرت. هر دو مورد را در دعای عصر غیبت، از خداوند مسئلت می‌کنیم. در این دعا می‌خوانیم:

* اللهم ثبّتني على دينك واستعملني بطاعتك ولِّين قلبي لولي أمرك و عافني مما امتحنت به خلفك و ثبّتني على طاعة ولِّي أمرك. (سید بن طاووس: جمال الاسباع، ص ۵۲۲)
ای خدا مرا بر دین خودت ثابت بدار و مرا بر طاعت خویش به کار گیر و قلیم را برای صاحب امرت مطیع و نرم کن و مرا در عرصه‌های امتحان‌هایی که از بندگانت به

عمل می‌آوری عافیت ببخش.

عبارت "لَيْنَ قَلْبِي" ناظر به آیاتی از قرآن است که ما را از قساوت قلب بر حذر می‌دارد. به عنوان نمونه:

"وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ فَطَالُ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَقَسْطٌ قَلْبُهُمْ" (حدید: ۱۶).

نعمانی - محدث بزرگ قرن چهارم - در مقدمه کتاب غیت، به بیانی دردمدانه از غفلت مردم نسبت به امام مهدی ع شکوه می‌کند (با این که در اوایل غیبت‌کبری بوده)، و با نقل حدیثی از امام صادق ع پیوند این آیه با غیبت حضرتش را نشان می‌دهد، آنگاه آئه بعدی را شاهد می‌آورد: "اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا" (حدید: ۱۷)، که احیای زمین به عدالت، در زمان ظهور روی می‌دهد (نعمانی، غیت، ص ۲۴-۲۵، مقدمه مؤلف). مشابه این مضمون را در بیان شیخ صدوq در سرآغاز کتاب کمالالدین می‌یابیم (صدق، کمالالدین ج ۱ ص ۱۷، نیز: همان کتاب ج ۱ ص ۶۵ و ج ۲ ص ۶۶۸ و حدیث ۱۲ و ۱۳).

* و اجعلنا ممّن تقرّ عينه بروئيته و اقمنا بخدمته و توفّنا علي ملّته و احضرنا في زمرته. (سید ابن طاووس: جمال الاسیوع، ص ۵۲۳)

ما را از کسانی قرار ده که با دیدن جمال آن گرامی، چشم‌شان روشن گردد، و ما را در خدمتش پایدار بدار، و بر ملت و آیین او بمیران و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما.

* و اجعلنا في حزبه و اعوانه و انصاره و الرّاضين ب فعله و لا تسلينا ذلك في حياتنا و لا عند وفاتنا، حتى تتوفانا و نحن على ذلك لا شاكين و لا ناكفين و لا مرتاين و لا مكذبين. (سید ابن طاووس: جمال الاسیوع، ص ۵۲۵)

ما را در گروه یاران و یاوران و کسانی که به کار او خشنودند، قرار بده. و این سعادت را در زندگی و مرگ ما از ما مگیر، تا در حالی ما را بمیرانی که نه دچار شک و تردید شده و نه پیمان شکسته باشیم و نه در مورد آن دودل بوده و نه آن را تکذیب کنیم.

در توضیح این جمله باید به یک حقیقت قرآنی اشاره شود که قرآن، با تعبیر "فمستقر" و مستودع" (انعام: ۹۸) از آن یاد می‌کند. در روایات اهل بیت علی‌الله علیهم السلام این آیه را چنین تفسیر کرده‌اند: "فالمستقر: ما ثبت من الايمان و المستودع: المعارض" (تفسیر عیاشی، ج ۱ ص ۳۷۲). بر همین اساس، مرحوم کلینی در مقدمه خود بر کتاب کافی به این مطلب اشاره کرده (کافی، ج ۱ ص ۸) و دو باب از کافی (کتاب الايمان و الكفر) را به این بحث اختصاص داده است: *باب المعارين، باب في علامة المعار* (کافی، ج ۲ ص ۴۱۷-۴۲۰).

در دعاها مختلف، به همین مطلب اشاره شده است، از جمله این که فضل بن یونس از امام کاظم علیه السلام روایت کرده که فرمود: این دعا را بسیار بخوان: "اللهم لا تجعلني من المعارين، و لا تُخْرِجَنِي مِن التَّقْصِيرِ" (کلینی، کافی، ج ۲ ص ۷۳، باب الاعتراف بالقصیر). در توضیح آن آمده است: معارین یعنی کسانی که دین آنها عاریتی است و آن را از دست می‌دهند. اما جمله دوم دعا یعنی این که همیشه خود را به درگاه الهی مقصّر بدانی (همان).

نیز در دعای مفصلی که در اعمال روز عدیر آمده، این جمله را می‌خوانیم: "أَن تَسْتَعِنْ عَلَيْنَا نَعْمَتَكَ وَ تَجْعَلْنَاهُ عَنْدَنَا مُسْتَقْرًا، وَ لَا تَسْلِبْنَاهُ أَبَدًا، وَ لَا تَجْعَلْنَاهُ مُسْتَوْدِعًا، فَإِنَّكَ قَلْتَ: فَمُسْتَقْرٌ وَ مُسْتَوْدِعٌ فَاجْعَلْنَاهُ مُسْتَقْرًا وَ لَا تَجْعَلْنَاهُ مُسْتَوْدِعًا" (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳ ص ۱۴۷).

اکنون امام عصر علیه السلام به ما می‌آموزد که از خدا بخواهیم یاری به حضرتش همواره در زندگی ما مستدام باشد و هیچگاه در این مسیر، گرفتار شک و تردید و موقتی بودن نشویم.

* و اجعلنا يا رب من اعوانه و مقويه سلطنه و المؤتمرين لامرها و الراضين ب فعله و المسلمين لاحكامه و ممن لا حاجة به الي التقى من خلقك. (سید ابن طاووس: جمال الاسوع، ص ۵۲۶)
بار پروردگارا! ما را از یاران او و تقویت کنندگان حکومتش و فرمان بران دستوراتش، و از آنانی که به کار آن حضرت راضی هستند و در برابر حکم‌ش تسیلیم‌اند و نیازی به تقیه کردن از آنها در میان بندگان ندارد، قرار ده.

در مورد اهمیت و فضیلت خدمت‌گزاری وجود مبارک امام زمان علیه السلام و منتظر ظهر حضرت بودن که با چند تأکید و یا عبارات مختلف در این دعا از خدا درخواست شده؛ به عنوان نمونه به روایتی در این زمینه اشاره می‌کنیم که در توصیف یاران امام زمان علیه السلام آمده است: «طوبی لمن احبه و طوبی لمن قال به، ينجيهم الله به من الھلكه و بالاقرار بالله و برسوله و بجميع الائمه، يفتح الله لهم الجنة. مثلهم في الأرض كمثل المسك الذي يسطع ريحه لا يتغير أبداً و مثلهم في السماء كمثل القمر الذي لا يطفئ نوره أبداً». (مجلسی، ۱۳۹۷ق:ج ۵۲ص ۴۱، ح ۴) خوشابه حال کسانی که امام زمان را دوست دارند و خوشابه حال کسانی که به ایشان اعتقاد دارند خدا آنها را به سبب آن حضرت از هلاکت (بی‌دین شدن) نجات می‌دهد و به سبب اقرار و اعتراف به خدا و رسول و همه امامان خدا بهشت را برایشان می‌گشاید مثل آنها در زمین مثل مشک است که بوی خوش آن همه‌جا پخش می‌شود، ولی خودش از بین نمی‌رود. مثل آنها در آسمان مثل ماه تابان است که نور آن هرگز خاموش نمی‌گردد.

از روایات به دست می‌آید که بزرگ‌ترین آرزوی منتظر ظهر، این است که در زمرة یاران حضرت قرار گیرد و به خدمت‌گزاری آن بزرگوار نایل گردد. هر اندازه شدت انتظار در کسی شدیدتر و خالص‌تر باشد، بلندی این آرزو و تمنای این امر در او عمیق‌تر می‌شود. عمق این خواسته تا آنجا است که در دعای عهد - که هر بامداد می‌خواند - از خدایش می‌خواهد که حتی اگر در زمان حیات خود به این توفیق دست نیافت، پس از مرگ به این سعادت برسد: "فأخرجنِي من قبرِي، مؤتَرزاً كُفني، شاهراً سيفي، مجرداً قناتي، ملبياً دعوة الداعي في الحاضر و البادى" (کفعی، البلادیین، ص ۸۳؛ همو، جنة‌الامان (المصبح)، ص ۵۵۱).

این آرزو، از بزرگ‌ترین خواسته‌های اهل بیت علیه السلام نیز بوده، چرا که با فرج و نصرت ولی عصر - ارواحنا فداء - اسلام به معنای واقعی تحقق می‌یابد. امیر المؤمنین علیه السلام در روایتی پس از بیان فتنه‌ها و آشوب‌ها و یاد از خصلت‌های امام عصر - ارواحنا فداء -

فرمود: «هاه، شوقاً الي رؤيته» (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۵۱، ص ۱۱۵ آه، (اشاره به قلب مبارک خود نمودند) چقدر مشتاقم او را بینم.

امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی آرزوی خدمتگزاری در تمام طول عمر مقدسشان نسبت به امام زمان را بیان می‌فرماید: «لو أدركته لخدمته أيام حياتي». (نعمانی: القیة، ص ۲۷۳) اگر دوران او را درک می‌کردم تمام عمر او را یاری می‌کردم.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «اما انّى لو أدركـت ذلك لاستقيـت نفسـي لصاحبـ هذا الأمر» (نعمانی، غیبت، ص ۲۷۳)

پس به طور کلی بالاترین آرزوی یک متظر، فرج و ظهور امام زمان علیه السلام است که بتواند در لشکر امام زمانش برای اینکه او به هدف الهی و فرج نهایی خود برسد جانفشانی کند؛ و اگر در طول حیاتش چنین توفیقی نصیب او نشد در صورتی که حالت انتظار در او حفظ شود، از لحاظ بهره‌وری و ثواب طبق احادیث ضرری نکرده و چیزی را از دست نداده است. بنابراین «انتظار» کیمیابی است که مس وجود را به طلای ناب مبدل می‌سازد و او را از انسانی عادی و بی‌هدف، تبدیل به مجاهدی مخلص می‌کند که در زمرة شهداء و بلکه بالاتر از آن از جمله کسانی خواهد بود که در راه خدا در خون خود دست و پا می‌زنند. چه پاداشی از این بالاتر و چه مقامی از این عظیم‌تر که مؤمن در راه خدا در خون خود دست و پا زند؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «يا ابابصير طوي لشيعة قائمنا، المنتظرین لظهوره في غيته و المطعين له في ظهوره، أولئك اولياء الله الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون». (صدق، ۱۳۹۵ ق: کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷) خوشاب حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش متظر ظهور او باشند و در هنگام ظهورش فرمان بردار از او. آنان اولیای خدا هستند نه نالمنی (در قیامت) برایشان هست و نه اندوه‌گین می‌شوند.

بنابراین دعا بر حضرت و یاری کردن این بزرگوار - چه در زمان غیبت و چه در هنگام ظهور - توفیق بزرگی است که هر انسان عاقلی با هزاران هزار تمنا، باید از خدای

متعال و حضرت صاحب الامر آن را مستلت نماید.

۱۱- دعا در حق دوستان و علیه دشمنان امام زمان علیهم السلام

فقرات قابل توجهی از دعای عصر غیبت، دعا در حق دوستان و رعیت و شیعیان امام زمان علیهم السلام است. در این قسمت‌ها از خدا نصرت و توفیق و پیروزی محبان و شیعیان حضرت ولی عصر - ارواحنا فداء - را خواستاریم و هم چنین در مقابل خواستار نابودی و خذلان دشمنان ایشان هستیم. این گونه دعاها را در واقع می‌توان زیرمجموعه دعا بر حضرت دانست؛ چرا که با ظهور حضرت همه این امور مهیا می‌شود. و اصطلاحاً: «چون که صد آید نود هم پیش ماست». از طرفی پیروزی و نصرت شیعیان و خواری و خذلان منافقان و کفار، سبب مسرت و حشندی آن بزرگوار است.

به چند فراز از دعای عصر غیبت در این زمینه اشاره می‌نماییم:

* فقو قلوبنا علی الايمان به حتی تسلک بنا علی يديه منهاج الهدي و المحجة العظمي و الطريقة الوسطي و قونا علی طاعته و ثبتنا علی متابعته و اجعلنا في حزبه و اعوانه و انصاره و الرأضين بفعله. (سیدبن طاووس: جمال الأسبوع، ص ۵۲۵)

قلب‌های ما را بر ایمان به او تقویت کن تا به دست مبارکش راه هدایت و طریقه بزرگ و مسیر اعتدال را بپیماییم. و ما را به پیروزی و فرمانبرداری از او نیرو بخش و بر پیروزی اش ثابت بدار. ما را در گروه او و یاران و یاورانش و کسانی که به کار او حشندند قرار بده.

بخش اول این جمله، اشاره به این حقیقت دارد که شیوه اهل بیت علیهم السلام روش میانه است که از غلو و تقصیر بر کنار است. امیرالمؤمنین علیهم السلام فرمود: "نحن النمرقة الوسطى التي بها يلحق التالى و إليها يرجع الغالى" (شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶؛ همو، خصائص الائمه ص ۹۸). در حقیقت، وقتی قرآن این امت را به عنوان "امة وسطا" می‌ستاید، تا بدین سان گواه بر دیگران قرار دهد (بقره: ۱۴۳)، این ویژگی و شرافت موقول به این است که امت، تن به

امامت امامانی دهد که راه میانه را در پیش گرفته‌اند، و گرنه مردم را از راه میانه به چپ و راست می‌کشانند که هر کدام به نوعی به ضلالت می‌انجامد.

این است که امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیعت مردم با ایشان، خطبه‌ای سرشار از حکمت و فضیلت ایراد فرمود، که ضمن آن بیان داشت: "الیمین و الشمال مضلة، و الطريق الوسطی هی الجادة، علیها یأتی الكتاب و آثار النبوة، هلك من ادعی و خاب من افتری" (کلینی، کافی ج ۸ ص ۶۸ ح ۲۳؛ شریف رضی، نهج البلاغه خطبه ۵۸). شیخ مفید این خطبه را آورده و "تعربیض به ظالمان نسبت به حضرتش" می‌داند. (مفید، ارشاد، ج ۱ ص ۲۳۹).

باری، در این دعا، از خداوند حکیم می‌خواهیم که همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در حد امکانات محدود زمان خود، امّت را به راه میانه دلالت کرد، امام مهدی علیه السلام در سطح گسترده مردم را به چنین شاهراهی ببرد.

در همین دعا چنین می‌خوانیم:

* اللہم فصلْ علیه و علی آبائِ الائمة الطاھرین و علی شیعۃ المنتجبین، و بلغہم من آمالہم افضل ما يأملون. و اجعل ذلك منا خالصاً من كل شکٍ و شبھٍ و رباءٍ و سمعةٍ، حتى لا نريد به غيرك و لا نطلب به الا وجهك. (سید بن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۶)

بار خدایا بر او و پدرانش، آن پیشوایان پاک و بر پیروان نیک نژادش رحمت فرست. و آنها را به آرزوها ایشان، به برتر از آنچه در نظر دارند برسان. و این دعا را خالصانه و به دور از شک و شبھ و رباء و سمعه قرار بده، تا از آن غیر تو را اراده نکنیم و جز تو را طالب نگردیم.

در جمله دیگری از این دعا می‌خوانیم:

* و اجعلني بهم فائزًا عندك في الدنيا والآخرة و من المقربين أمين رب العالمين. (همان، ص ۵۲۹) و مرا در دنیا و آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقربان درگاهت قرار ده. ای پروردگار جهانیان، این دعاها را اجابت فرما.

از این قبیل جملات که با عبارت «و اجعلنا» آغاز می‌شود در این دعا زیاد به چشم

می خورد که به بعضی از آنها در قسمت‌های دیگر همین نوشتار اشاره شده است. بنا بر احادیث واردہ در این زمینه، متظر ظهور امام زمان علیه السلام در واقع متظر همه خوبی‌ها و متظر محو همه ظلم‌ها و ستم‌های تاریخ است. کسی که خالصانه نیت یاری امام زمانش را دارد با نیت خود، در همه اقدامات حضرت شریک است و از همه آنها ثواب و بهره خواهد برد.

شخص متظر در این دعاها، از خدا می خواهد که بتواند از یاوران و اصحاب امام زمانش باشد و در نصرت و پیروزی و از طرفی در هلاکت و از بین بردن دشمنان ایشان تحت لوا و بیرق آن بزرگوار شمشیر بزند. لذا این گونه دعاها طبق فرموده امیرالمؤمنین بالاترین درجات اخروی را نصیب فرد متظر می‌کند: «من احباباً بقلبه و اعانتا بلسانه و قاتل معنا اعداءنا بیده، فهم معنا فی درجتنا. و من احباباً و اعانتا بلسانه و لم يقاتل معنا أعداءنا، فهو اسفل من ذلك بدرجة». (مجلسی، ۱۳۹۷: ج ۳۷، ص ۸۹) کسی که ما را به قلبش دوست بدارد و با زبانش یاری کند و همراه ما با دشمنان ما بجنگد، پس در قیامت با ما و در درجهٔ ما خواهد بود. و کسی که ما را دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند ولی همراه ما با دشمنان ما نجنگد، در درجهٔ پایین‌تری قرار دارد.

علاوه بر یاری اهل بیت علیه السلام با قلب و زبان، آنچه فرد مؤمن را در بهشت هم درجهٔ اهل بیت قرار می‌دهد، جنگ با دشمنان ایشان است. لذا در دعای عصر غیبت می‌بینیم که این گنجینهٔ معارف الهی، دقیقاً همین نکته‌ها را به شیعیان در عصر غیبت می‌آموزد.

متظر از خدای خود می‌خواهد:

* و اقتل به جبارۃ الکفر، و اقصم به رؤوس الضلالۃ، و ذلّل به الجبارین و الکافرین، و ابر به المنافقین و الناكثین و جميع المخالفین و الملحدین، فی مشارق الارض و مغاربها و بربها و بحرها و سهلهما و جبلها، حتی لا تدع منهم دیاراً و لا تبقى لهم آثاراً و طهر منهم بلادک و اشف منهم صدور عبادک. (سید بن طاووس: جمال الاسیوع، ص ۵۲۵)

سرکشان کافر را توسط او هلاک کن، سران گمراهی را به وسیله او در هم شکن،

طغیان پیشگان و کافران را (توسط او) ذلیل فرما، همه منافقان و عهدشکنان و تمام مخالفان و ملحدان را در شرق و غرب عالم در دریا و خشکی، در کوهها و دشت‌ها به وسیله او هلاک و ریشه‌کن فرما، تا کسی از آنان و نگذاری و اثری از آنها باقی نماند، سرزمین‌هایت را از لوث وجود آنان پاک گردان و سینه بندگانت را با هلاکت دشمنان شفا عنایت فرما.

نکته‌ای که در این فقرات به چشم می‌خورد، این است که این طلب و خواسته شخص متظر در دعای عصر غیبت برای نابودی و از بین رفتن دشمنان خدا و پیامبر، مربوط به عصر و دوره محدودی از زمان و مکان نیست، بلکه این خواسته خود را برای همه سران گمراهی و فتنه و همه طغیان پیشگان و منافقان و همه مخالفان و ملحدان در همه عرصات تاریخی و همه مکان‌های جغرافیایی از شرق و غرب عالم خواستاریم.

اگر در بعضی از غزوات پیامبر، با پیروزی بر گروهی از مشرکان و مخالفان، خداوند متعال می‌فرماید: "و يخزهم و ينصركم عليهم و يشف صدور قوم مؤمنين" (توبه: ۱۴)؛ در زمان ظهور، این شفای سینه مؤمنان با پیروزی کامل ایمان بر کفر تحقق می‌باید. و این شادی کامل و گسترده پیامبر را در پی دارد، که در دعای قنوتی که امام عسکری علیه السلام به اهل قم آموخت، می‌خوانیم: "اللهم و سرّ نبیک محمدًا ﷺ برؤیته و من تبعه على دعوته" (ابن طاووس، معجم الدعوات، ص ۶۶)

* اللهم إنا نسألك أن تأذن لوليك في إظهار عدلك في عبادك، وقتل اعدائك في بلادك، حتى لا تدع للجور يا رب دعامة إلا قصمتها، ولا بقية إلا أفنيتها، ولا قوة إلا أوهنتها، ولا ركنا إلا هدمته، ولا حدا إلا فلتته، ولا سلاحا إلا أكلنته، ولا راية إلا نكستها، ولا شجاعا إلا قتلته، ولا جيشا إلا خذلته، وارمهم يا رب بحجرك الدامغ، واصريهم بسيفك القاطع، وبأسك الذي لا تردد عن القوم المجرمين، وعدب اعداءك، وأعداء دينك وأعداء رسولك - صلواتك عليه و آله - بيد وليلك، وأيدي عبادك المؤمنين. (سید بن طاووس: جمال الاسیوع، ص ۵۲۶)

خدایا از درگاهت می‌خواهیم که به ولیت اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت

آشکار نماید، و دشمنان را در سرزمین‌هایت هلاک گرداند، تا هیچ پایگاه و رکنی برای ستم باقی نگذاری. ای پروردگار من! و همه پایگاه‌های آنان را در هم شکنی، و بقایای آنان را نابود کنی و سپاهشان را شکست خورده و خوارسازی. پروردگار!! سنگ نابود کنندهات را به سوی ایشان رها کن، و شمشیر برآنت را بر ایشان فرود آور، و آنها را دچار عذابی کن که هر گروه مجرم از آن رهایی ندارند. و دشمنان و دشمنان دین و پیامبرت - درود تو بر او و آل او باد - را به دست ولیت و بندگان مؤمنت، معذب دار. آخرین جمله این بخش ناظر به آیه شریفه است که پیامبر گرامی - به امر خدای متعال - به منافقان می‌فرماید:

”قل هل ترِّبصون بنا إلٰا إحدى الحسينين، و نحن نترِّبص بكم أَن يصيِّبكم الله بعذاب من عنده أو بأيدينا“ (توبه:۵۲)، گویی منتظر در دعای خود اشاره می‌کند که رویدادی که پیامبر در انتظار آن بوده، همان است که در زمان ظهور تحقیق می‌یابد، یعنی عذاب دشمنان به دست ولی خدا و پیروان او عملی شود.

در این جمله نکته مهمی نهفته است که هر جا در طول تاریخ قدرتی به نام دفاع از دین سر بر آورده، بدان معنا نیست که الزاماً آن را از سوی خداوند بدانیم و بدان دل بندیم. بسا که فردی قدرت طلب و منحرف، از نام خدا و دین سوء استفاده کرده و می‌کند. بلکه باید به قدرتی دل بست که ولی معصوم خدا به امراللهی برای اقامه دین بکار بندد، و خود ناظر بر اجرای آن باشد.

۱۲- ویژگی‌ها و اوصاف حجت

اگر از زاویه دیگری به دعای عصر غیبت نگاه کنیم، می‌بینیم که وجود مقدس امام زمان علیه السلام در فرازهایی از این دعا به معرفی خود و عملکردشان در هنگام ظهور اشاره می‌فرماید؛ آنچه طبق حدیث شریف نبوی برای کسب حداقل معرفت نسبت به حجت زمان شناخت ویژگی‌ها و اوصاف ایشان لازم است.

رسول خدا در حدیثی برترین واجبات را معرفت خدا و سپس معرفت رسول مطرح کرده‌اند؛ در ادامه آن چنین آمده است: «و بعده معرفة الامام الذي به يؤتم بمنته و صفتة و اسمه في حال العسر واليسر؛ و ادنى معرفة الامام انه عدل النبي ﷺ الا درجة النبوة و وارثه، و ان طاعته طاعة الله و طاعة رسول الله و التسلیم له في كل امر و الرد اليه و الاخذ بقوله». (خرارقی، کفاية‌الاثر، ص ۲۶۳) و بعد از آن (معرفت رسول) معرفت امامی است که به او اقتدا می‌شود، هم شناخت ویژگی‌ها و اوصاف او و هم شناخت نامش - چه در سختی و چه در آسایش - و پایین‌ترین حد معرفت امام این است که او همتای پیامبر - جز در نبوت - و وارث آن حضرت می‌باشد. و این که اطاعت از امام (در حقیقت) اطاعت از خدا و اطاعت از رسول خداست، و دیگر آنکه باید در هر چیزی تسلیم محض نسبت به امام بود و (همه امور را) به ایشان ارجاع داد و نظر ایشان را برگرفت.

امام زمان علیه السلام خود را این‌گونه معرفی می‌فرماید:

* فَإِنَّ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ، الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ، الظَّاهِرُ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ وَالتَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ. (سید بن طاووس: جمال‌الاسبوع، ص ۵۲۴)

زیرا او هدایت کننده بشر، هدایت یافته و قیام کننده برای هدایت خلق است، گوهر پاک و باتقواء، پاک‌سیرشت، پاک‌سیرت، صاحب مقام رضا و خشنودی خدا، شکیبا در بلا و مصائب، شکرگزار، مجاهد و تلاشگر است.

و باز می‌خوانیم:

* فَأَنَّهُ عَبْدُ الَّذِي أَسْتَخلَصَهُ لِنَفْسِكَ، وَأَرْتَضَيْهِ لِنَصْرَةِ دِينِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبِرَأْتَهُ مِنَ الْعَيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغَيُوبِ، وَانْعَمْتَ عَلَيْهِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَنَقْيَتَهُ مِنَ الدُّنْسِ. (سید بن طاووس: جمال‌الاسبوع، ص ۵۲۶؛ صدوق، ۱۳۹۵: ق: کمال‌الدین، ب، ۴۵، ص ۴۳)

زیرا او بنده مخلص توست که برای خودت خالصش گردانیدی و برای یاری دینت او را پسندیدی و با علم بی‌نهایت او را برگزیدی و از گناهان او را بازداشتی و نگهداری کردی و از عیب‌ها پیراسته‌اش کردی و از ناپاکی پاکیزه‌اش ساختی.

هر یک از کلمات و عبارات این بخش، باید به تفصیل، توضیح و تبیین شود، که در این مجال مختصر نمی‌گنجد. تنها به یک نکته مربوط به آخرین جمله آن بسنده می‌شود. جمله "طہرّتہ من الرجس" اشاره دارد به آیه تطهیر (احزاب: ۳۳)، که اگرچه ظاهر آن طبق شان نزول، مربوط به خمسه طبیه است، ولی در واقع مربوط به چهارده معصوم است و عبارت "أهل بيت" بر آنان دلالت می‌کند. ادلّة فراوان بر این امر دلالت می‌کند (بنگرید: مجلسی، بخار الانوار ج ۲۵ ص ۲۱۲ به بعد؛ سید علی موحد ابطحی، آیة التطهیر فی احادیث الفرقین).

در اینجا نیز می‌بینیم که یکی از مصادیق این آیه، حضرت مهدی صلوات الله علیه است. همین‌گونه نصوص، خود پاسخی است به افرادی مانند عکرمه که مصدق آیه تطهیر را فقط همسران پیامبر می‌دانست (بنگرید: اخوان مقدم، آیه تطهیر در آینه شعر عرب، ص ۵۳-۴۳ و ۷۶-۷۹).

۱۳- آیین انتظار، از منظر دعای عصر غیبت

در سراسر این دعا و دعاهای مشابه آن، از ما خواسته‌اند که درباره فرج و ظهور خالصانه و با سوز دل دعا کنیم، ولی در کنار این دعا و اصرار بر آن، متذکر شده‌اند که باید در این امر (انتظار) تسلیم رضا و تقدير الهی باشیم، تأخیر و تقدم درباره این امر را بپذیریم و از هر گونه عدم رضایت و چون و چرا بر حذر باشیم.

در دعای عصر غیبت می‌خوانیم:

* و صَرِّنِي عَلَى ذَلِكَ، حَتَّى لَا أَحْبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخْرَتْ، وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتْ، وَ لَا أَكْشَفَ عَمَّا سَرَّتْ، وَ لَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ، وَ لَا انْأَزِعُكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَ لَا أَقُولُ لَمْ وَ لَا بَالْ وَ لَا كِيفْ الْأَمْرِ لَا يَظْهُرُ وَ قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجُوْرِ. (سید بن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۳)

مرا بر آن صبر ده، تا دوست نداشته باشم تعجیل امری را که تو تأخیرش داده‌ای و تأخیر چیزی را مطالبه نکنم که تو تعجیلش را اراده نموده‌ای و پرده برندارم از آن‌چه تو پنهانش کرده‌ای، و چیزی را کاوش نکنم که تو پوشیده‌اش فرموده‌ای و نسبت به تدبیر تو در کار عالم با تو نزاع و مجادله نکنم، و در برابر اراده تو، چون و چرا نکنم و نگویم

که چرا صاحب الامر ظهور نمی‌کند، با این‌که زمین پر از ظلم و ستم گشته است.
کسی که اینگونه راضی به رضای الهی شد، در امتحان الهی پیروز شده و ایمان خود
را نگاه داشته است، و گرنه شک کردن، عجله کردن و استهزا نسبت به این امر، برابر کفر
است.

۱۱۹

انتظار ظهور، در شمار برترین عبادتها است. لذا باید آیین و منش کلی عبادت را در
آن رعایت کرد. مهم‌ترین رکن عبادت، رضا به حکم الهی و تسليم در برابر آن است. در
حدیث قدسی آمده که خداوند به کسانی که چنین نکنند، هشدار می‌دهد: من لم یرض
بقضائی و لم یؤمن بقدرتی فلیتتمس الهاً غیری (صدق، توحید، ص ۳۷۱؛ همو، عيون اخبار الرضا علیهم السلام ج ۱ ص ۱۴۱).
من لم یرض بقضائی و لم یشکر علی نعمائی و لم یصبر علی بلائی، فلیتّخذ رباً سوای (فتاوى،
روضة الوعاظین ج ۱ ص ۳۰؛ راوندی، دعوات ص ۱۶۹).

انسان منتظر، با وجود تمام دشواری‌هایی که در زمان غیبت تحمل می‌کند، نباید با
مسئله‌ای مهم مانند ظهور، احساسی و عاطفی برخورد کند و حکم عقل و نقل را پشت
سر نهد. در فرهنگ دینی همه جا دو مقوله انتظار فرج و صبر، کنار هم مطرح شده‌اند.
امام رضا علیهم السلام فرمود: ما احسن الصبر و انتظار الفرج (عياشی، تفسیر عياشی ج ۲ ص ۲۰؛ کمال الدین ج ۲ ص ۶۴۵).
این دو مفهوم، جدا از هم نیستند. در اینجا باید به جای رواج شعرها، درونمایه دقیق
و صحیحی را که از خاندان عصمت علیهم السلام رسیده دریافت و به آن گردن نهاد.

امام جواد علیهم السلام وضعیت و حالت افراد و گروه‌های مختلف را در مواجهه با غیبت امام
زمان تذکر می‌دهد. صقر بن ابی دلف روایت کرده که امام جواد علیهم السلام در ضمن حدیثی
امامان پس از خود را معرفی می‌کردد تا جایی که راوی درباره امام زمان علیهم السلام از ایشان
می‌پرسد: «فقلت له: و لم یسمی المنتظر؟ قال: لانَّ له غيبةً تکثر ایامها و یطول امدها. فینتظر
خروجہ المخلصون و ینکرہ المرتابون و یستهزء بذکرہ الجاحدون و یکثر فیها الوقاتون و یهلك
فیها المستعجلون و ینجو فیها المسلمين.» (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۴)

راوی از امام جواد پرسید: برای چه منتظر (به فتح) نامیده شده است؟ فرمود: زیرا

غیبیتی دارد که خیلی طولانی می‌شود و زمانش به درازا می‌کشد، بعد حضرت احوال مردم را در دوران غیبت طولانی بیان می‌فرماید: کسانی که چشم به راه ظهور او و تشریف‌فرمایی او هستند، اصحاب خالص او هستند. کسانی که اهل شک و ریب هستند انکارش می‌کنند. منکران یاد او را استهزا می‌کنند. بسیار کسانی پیدا می‌شوند که برای ظهور او تعیین وقت می‌کنند. کسانی که استعجال می‌کنند هلاک می‌شوند و (فقط) تسلیم شوندگان در آن دوران نجات پیدا می‌کنند.

در دعای عصر غیبت چند نکته مهم دیگر را چنین متذکر می‌شوند:

* اللَّهُمَّ وَ لَا تُسْلِبْنَا إِلَيْنِي لِطُولِ الْأَمْدِ فِي غَيْبِتِهِ، وَ انْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا. وَ لَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَ انتِظَارَهُ وَ الْإِيمَانَ بِهِ وَ قُوَّةَ الْإِيمَانِ فِي ظَهُورِهِ وَ الدُّعَاءِ لَهُ وَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يَقْنَطَنَا طَوْلُ غَيْبِتِهِ مِنْ ظَهُورِهِ وَ قِيامِهِ، وَ يَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كِيْقَيْنَنَا فِي قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحِيكَ وَ تَزْرِيلِكَ، قَوْ قَلْوبُنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ.

(سید بن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۴)

خدایا به واسطه دراز شدن زمان غیبتش و قطع شدن خبرش از ما، یقین ما را زایل مگردان. و از یاد ما مبر یادش را و انتظارش را و ایمان به او را و یقین استوار بر ظهورش را و دعا برای وجود نازنینش و درود فرستادن (بر آن حضرت) را؛ تا اینکه طولانی شدن زمان غیبتش ما را از ظهور و قیام بر حقش ناامید نسازد. و ایمان ما به قیام او و ظهور او همانند اعتقاد ما به قیام پیامبر خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - و وحی و کتاب نازل شده بر او محکم و استوار باشد. قلب‌های ما را بر ایمان به او تقویت کن.

در این جمله، شش وظیفه مهم برای انسان متظر در برابر امام عصر عجل الله تعالیٰ فرجه بیان می‌شود:

۱. یاد او
۲. انتظار او
۳. ایمان به او
۴. شدت یقین به ظهورش
۵. دعا برای او
۶. درود فرستادن بر او.

اگر چنین شد، امید است که طول کشیدن زمان غیبت، ما را از ظهور و قیام حضرتش

نومید نسازد. دقت کنیم که امام عصر علیهم السلام حق است، همان گونه که رسول خدا حق است. و ما باید یقینی به آن گرامی داشته باشیم همسان یقینی که به پیامبر داریم. شاید در این تشییه، عنایتی باشد که از آیه "الذین يؤمنون بالغیب" (بقره: ۲) و تأویل آن به غیبت و قیام حضرت مهدی علیه السلام (صدق، کمال الدین ج ۱ ص ۱۷) به دست می‌آید. نکته این است که ایمان به پیامبر، برای بیشترین گروه مسلمانها یعنی تمام کسانی که بعد از رحلت حضرتش به دنیا آمده‌اند – "ایمان به غیب" است. آنها به تعبیر روایت: "آمنوا بسودا علی بیاض" (صدق، من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۶۶). در دعا می‌خوانیم: "اللهم انی آمنت بمحمد ﷺ، و لم أره" (صدق، ثواب الاعمال، ص ۱۵۶) و به همین دلیل، از خداوند می‌خواهیم که شفاعت حضرتش را شامل حال ما گرداند.

به هر حال، ایمان به مقامات معنوی پیامبر، موکول به دیدن شخص پیامبر نیست، بلکه جانی روشن و ایمانی ژرف می‌خواهد. همین امر، عیناً در مورد امام عصر ارواحنا فداه نیز مصدق دارد که بدون دیدن جسمی باید به او ایمان و یقین قطعی داشته باشیم. برای رسیدن به ایمان ژرف نسبت به حضرتش، عمل به شش وظیفه یاد شده می‌تواند گامی مفید باشد.

۱۴- دعا برای سلامت امام عصر علیهم السلام

در دعای عصر غیبت، نکات و دستورات و آموزه‌های ارزنده قابل توجهی می‌یابیم در اینجا به عنوان حسن ختم به یکی دیگر از این آموزه‌ها بسنده می‌کنیم.

* اللهم اعذه من شرّ جميع ما خلقت و برأته و ذرأت و أنثأته و صورت، و احفظه من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و من فوقه و من تحته، بحفظك الذي لا يضيع من حفظته به، و احفظ فيه رسولك و وصي رسولك عليه و آله السلام. اللهم و مدد في عمره و زد في اجله و اعنه على ما وليته و استرعيته و زد في كرامتك له. (سید بن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۴)
خدایا او را از شرّ هر چه خلق کردى و پدید آوردى، آفریدى و ایجاد کردى و صورت بخشیدى، پناه بده. و او را از مقابلش، پشت سرش، سمت راست و چپش و از

بالای سرش و زیر پایش حفظ کن؛ به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن‌گونه نگاه داری ضایع و تباہ نمی‌شود. و در وجود او پیامبرت و وصی پیامبرت – که درود بر او و خاندانش باد – را حفظ کن. خداوند! عمرش را طولانی کن و بر مدت زندگانی اش بیفزای. و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار نمودی و نگهبان ساختی، کمکش فرما و در کرامت نسبت به او بیفزای.

در واقع، اینگونه دعاها متأثر به ما می‌آموزد که وقتی خواستیم در حق امام زمانمان دعا کنیم، جانب ادب نگاه داریم و به شیوه‌ای بر در خانه خدا برویم که حجتهاي معصوم به ما آموخته‌اند، نه بدان زبان که خودمان پسندیده‌ایم.

در جملات پایانی دعای عصر غیبت، از خدا می‌خواهیم که غم و اندوه را از وجود مبارک امام زمان علیه السلام با مژده ظهور ایشان برطرف فرماید:

* انت يا ربَ الَّذِي تكشِّفُ الضَّرَّ، وَ تجِيبُ المضطَرَّ إِذَا دعاكَ وَ تنجيَ منَ الْكربِ العظيمِ
فاكشِّفُ الضَّرَّ عنَ ولِيكَ واجعله خلیفتک فی أرضک كما ضمنت له. (سید بن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۹)

ای پروردگار! تویی که هر اندوه و بلایی را برطرف می‌کنی؛ و هر مضطَرَّ و بیچاره‌ای که تو را بخواند، اجابت می‌فرمایی و از سختی و مصیبت بزرگ نجاتش می‌دهی؛ پس غم و اندوه را از وجود ولیت برطرف کن و او را خلیفه (آشکار) در زمینت قرار ده، همان‌گونه که این امر را تضمین فرموده‌ای.

۱۵- جمع‌بندی

۱- دعای «عصر غیبت» دعایی است متأثر که از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام به نایب اول ایشان املا و تعلیم شده است.

۲- سفارش اکید به خواندن این دعا از سوی سید ابن طاووس شده است که اگر تمام آنچه را که برای عصر جمعه وارد شده است مهم‌گذاشتی، از خواندن این دعا غافل نشو که این دعا فضل عظیمی است از جانب خدا.

۳- سراسر این دعای شریف شامل مضامین بلند و معارف حقه و تعالیم بزرگ اعتقادی است.

۴- نخستین بخش دعا درخواست کسب معرفت خدا و رسول و حجج الهی است.

۵- در طی جملات مجمل و کوتاه، عدم شناخت و تسليم حجت بودن را برابر با ضلالت و گمراهی معرفی می‌فرمایند.

۶- این دعا را می‌توان دارای چند سرفصل و عنوان اصلی دانست:

الف) کسب معرفت؛

ب) ثبات در دین داری؛

ج) دعا بر فرج و ظهور امام زمان ع؛

د) دعا بر نصرت و پیروزی امام زمان ع؛

ه) دعا برای خدمت‌گزاری به آستان امام زمان ع؛

و) دعا در حق دوستان و دشمنان حضرت.

۷- حداقل وظیفه و معرفت ما در عصر غیبت را می‌توان در دو بخش خلاصه کرد: یکی اعتقاد به فضایل و اوصاف امام و انجام وظایفی که در قبال ایشان داریم؛ و دیگری شناخت یکی امامان به نام و نسب آنها.

که هر دو مورد را با مطالعه عمیق دعای عصر غیبت می‌توان به دست آورد.

۸- یکی از نکات حائز اهمیت در این دعای شریف این است که سراسر این دعا مملو از راهکار و دستورات خود امام زمان ع درباره وظایف شیعه در عصر غیبت است. به عنوان مثال:

الف) بیان دستوراتی درباره چگونگی کسب معرفت؛

ب) بیان دستوراتی درباره چگونگی دعا درباره حضرت؛

ج) بیان دستوراتی درباره چگونگی دعا در حق دوستان و نابودی دشمنان ایشان.

منابع

- قرآن کریم، حسین انصاریان، تهران، سلام، چاپ اول ۱۳۹۰ ش.
- نهج البلاغه، صبحی صالح، بیروت، بی‌نا، ۱۳۸۷، ق.
- نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، موعود بوشهر، چاپ سوم ۱۳۸۱ ش.
- مفاتیح الجنان، مهدی الهی قمشه‌ای، قم، دار الثقلین، ۱۳۸۱ ش.
۱. ابن ابی فراس، ورام، **تنبیه الخواطر و نزہة التواظر**، قم، مکتبة الفقیه، افسـت نسخـه دار التعارف بـیـرـوت، ۱۳۷۶ ق.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی، **التوحید**، قم، جامـعـه مـدـرسـین، ۱۳۹۸ ق. / ۱۳۵۷ ش.
۳. _____، **الخصال**، قم، جامـعـه مـدـرسـین حـوزـة عـلـمـیـه، ۱۴۰۳ ق.
۴. _____، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، قم، انتشارات اخلاق، ۱۳۷۷ ش.
۵. _____، **علل الشرائع**، قم، انتشارات مکتبـة الدـاوـرـی، بـیـتا.
۶. _____، **عيون أخبار الرضا**، تهران، جهـان، ۱۳۷۸ ق.
۷. _____، **فضائل الاشهر الثالثة**، قم، مکتبـة الدـاوـرـی، افسـت از مـطبـعـة الـادـبـ نـجـفـ اـشـرفـ، ۱۳۹۷ ق.
۸. _____، **كمال الدين و تمام النعمة**، تهران، دار الكتب الاسلامية، چاپ دوم ۱۳۹۵ ق.
۹. _____، **معانی الاخبار**، بـیـرـوت، دار المعرفـةـ، ۱۳۹۹ ق.
۱۰. _____، **معانی الاخبار**، قم، جامـعـه مـدـرسـین، ۱۳۶۱ ش.
۱۱. ابن شعبـهـ حرـانـیـ، ابـوـمـحـمـدـ حـسـنـ بنـ عـلـیـ بنـ حـسـنـ، تحـفـ العـقـولـ، تـهـرانـ، كـاتـبـوـرـوـشـیـ اـسـلـامـیـهـ، ۱۳۵۴ ش.
۱۲. ابن طاووسـ، سـیدـ عـلـیـ، **جمال الاسبوع**، قـمـ، اـنـتـشـارـاتـ رـضـیـ، بـیـتا.
۱۳. _____، **أقبال الاعمال**، تـهـرانـ، دـارـ الـكـتبـ اـسـلـامـیـهـ، چـاـپـ دـوـمـ ۱۳۶۷ ش.
۱۴. ابن منظورـ، محمدـبـنـ مـكـرمـ، **لسانـالـعـربـ**، بـیـرـوتـ، دـارـ صـادـرـ، ۲۰۰۰ مـ.
۱۵. احمدـ، مـسـتـبـطـ، **ترجمـةـ القـطـرـهـ**، محمدـحسـنـ حـسـيـانـ، تـهـرانـ، حـاذـقـ، چـاـپـ هـفـتـمـ ۱۴۲۸ قـ.
۱۶. احمدـبـنـ عـلـیـ طـالـبـ، اـبـوـمـنـصـورـ، **الـاحـتجـاجـ**، نـجـفـ اـشـرفـ، دـارـ التـعـمـانـ، ۱۳۸۶ قـ.
۱۷. امام رضا^ع (منسوب)، **فقـهـ الرـضـاـ**، مشـهـدـ، كـنـگـرـهـ جـهـانـیـ اـمـامـ رـضـاـ^عـ، چـاـپـ اـولـ ۱۴۰۶ قـ.
۱۸. بنـیـ هـاشـمـیـ، سـیدـ مـحـمـدـ، **آفتـابـ درـ خـرـیـتـ**، تـهـرانـ، مـیـقاتـ، چـاـپـ اـولـ ۱۳۸۰ شـ.
۱۹. _____، **سلـوـکـ مـتـظـرـانـ**، تـهـرانـ، مرـکـزـ فـرـهـنـگـیـ اـنـتـشـارـاتـ مـنـبـرـ، چـاـپـ اـولـ ۱۳۸۲ شـ.
۲۰. _____، **معـرـفـ اـمـامـ عـصـرـ**، تـهـرانـ، نـیـکـ مـعـارـفـ، چـاـپـ سـومـ ۱۳۸۳ شـ.
۲۱. _____، **منـاجـاتـ مـتـظـرـانـ**، تـهـرانـ، مـنـبـرـ، چـاـپـ اـولـ ۱۳۸۶ شـ.
۲۲. تمـیـمـیـ آـمـدـیـ، عـبـدـالـواـحـدـینـ مـحـمـدـ، **جامـعـ الـاخـبـارـ**، بـیـ جـاـ، بـیـ تـاـ، بـیـ تـاـ
۲۳. _____، **غـرـرـ الـحـکـمـ وـ درـرـ الـکـلـمـ**، قـمـ، دـفترـ تـبـلـیـغـاتـ اـسـلـامـیـ، ۱۳۶۶ شـ.
۲۴. حـائـرـیـ قـزوـنـیـ، مـهـدـیـ (ـمـتـرـجـمـ)ـ، **مـکـیـالـ الـمـکـارـمـ فـیـ تـفـسـیرـ الـقـرـآنـ**، تـهـرانـ، بـدـرـ، چـاـپـ دـوـمـ ۱۳۷۲ شـ.
۲۵. حـسـینـیـ بـحرـانـیـ، سـیدـ هـاشـمـ، **الـبـرـهـانـ فـیـ تـفـسـیرـ الـقـرـآنـ**، قـمـ، دـارـ الـکـتبـ اـلـعـلـمـیـ، ۱۳۳۴ شـ.
۲۶. حـسـینـیـ مـرـعـشـیـ شـوـشـترـیـ، نـورـالـلهـ، **احـتـاقـ الـحـقـ وـ اـزـهـاقـ الـبـاطـلـ**، قـمـ، كـاتـبـخـانـهـ آـیـتـالـلهـ مـرـعـشـیـ نـجـفـیـ، ۱۳۷۷ قـ.
۲۷. حـسـینـیـ، سـیدـ حـسـینـ، **نـامـ مـحـبـوبـ**، تـهـرانـ، اـکـیـاتـ، چـاـپـ سـومـ ۱۳۷۶ شـ.
۲۸. دـیـلمـیـ، حـسـنـ بـنـ اـبـیـ الـحـسـنـ، **ارـشـادـ الـقـلـوبـ**، بـیـ جـاـ، شـرـیـفـ رـضـیـ، چـاـپـ اـولـ ۱۴۱۳ قـ.
۲۹. رـاغـبـ اـصـفـهـانـیـ، مـحـمـدـبـنـ حـسـینـ، **المـفـرـدـاتـ فـیـ غـرـبـ الـقـرـآنـ**، تـهـرانـ، المـکـتبـةـ المـرـتضـوـیـةـ، ۱۳۷۳ قـ.

۳۰. راوندی، قطب‌الدین، *الدعوات*، قم، مدرسه امام مهدی(عج)، چاپ اول ۱۴۰۷ ق.
۳۱. —————، *الخرائج و الجرائم*، قم، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۰۹ ق.
۳۲. سیحانی، جعفر، *فروع ابتدیت*، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ بیست و نهم ۱۳۸۳ ش.
۳۳. شرتوتی، سعید، *اقرب الموارد*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌نا، ۱۳۸۳ ش.
۳۴. صفار، ابو‌جعفر محنتین حسن، *بعض‌الدرجات*، بیروت، مؤسسه النعمان، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. طباطبائی قمی و دیگران، *و اکنون تنها یک وحده باقی مانده است*، تهران، گرایش تازه، چاپ اول ۱۳۸۶ ش.
۳۶. طریحی، *مجمع البحرين*، تهران، المکتبة المترضوية، ۱۳۹۵ ش.
۳۷. طوسی، *الغيبة*، قم، مؤسسه عمارف اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۱ ق.
۳۸. عیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیر عیاشی*، تهران، چاپخانه علیمی، ۱۳۸۰ ق.
۳۹. فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، ابی القاسم، *تفسیر فرات کوفی*، بیروت، النعمان، ۱۴۱۲ ق.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العين*، قم، دار المغبرة، چاپ اول ۱۴۰۵ ق.
۴۱. قمی مشهدی، محمدبن محمدبن رضا، *کنز الدقائق و بحر الغائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۴۲. قمی، جعفرین محمدبن قولویه، *کامل الزیارات*، قم، نشر الفقاہه، ۱۴۱۷ ق.
۴۳. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، *تفسیر قمی*، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ ق.
۴۴. قمی، علی بن محمد فراز، *کفاية الاشر*، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۴۵. کلینی، محمدبن یعقوب، *الكافی*، تهران، دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۴۸ ش.
۴۶. مجتهدی سیستانی، سید مرتضی، *الصحيفة المهدیة*، مصحح و مترجم: محمد ظریف و محمدحسین رحیمیان، قم، نشر حاذق، چاپ سوم ۱۳۸۳ ش.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، *پحار الانوار*، تهران، للمکتبة الاسلامیة، ۱۳۹۷ ق.
۴۸. نعمانی، ابن ابی زینب محمدبن ابراهیم، *الغيبة*، تهران، مکتبة الصدق، ۱۳۹۷ ق.
۴۹. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.
۵۰. هلالی کوفی، سلیمان بن قیس، سلیمان بن قیس، قم، الهادی، چاپ اول ۱۴۱۵ ق.
۵۱. همدانی، علی اکبر بن محمد، پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی، تهران، بدر، ۱۳۶۱ ش.
۵۲. —————، *تکالیف الامام فی خیبة الامام*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۴ ش.
- پایان نامه‌ها
۵۳. شیخی‌پور، هاجر، *سخط و رضای الهمی از منظر قرآن و روایات*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: محسن احتشامی‌نیا، ۱۳۸۹.
۵۴. فضلی، ابوالفضل، *بررسی مصاديق ضلالت در قرآن و احادیث*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: محسن احتشامی‌نیا، زستان، ۱۳۸۹.
۵۵. مرادی، رقیه، *تفسیر و تأثیر حی و میت از منظر قرآن و روایات*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: سیده فاطمه هاشمی، تابستان ۱۳۹۱.
- نرم افزار
- نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).